بِسْمِ ٱللَّهِٱلرَّحْمَنِٱلرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَيِّدِنا وَ نَبِیِّنَا أَبِی ‌الْقَاسِمِ مُحَمَّد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ الطَّاهِرِینَ سِیَّما بَقِیَّةُ‌ اللهِ الْاَعظَم مَوْلانا حُجَّةِ بْنِ الْحَسَنْ عَجَّلَ اللهُ تَعالی فَرَجَهُ الْشَّریفَ وَ لَعْنَةُ اللهِ عَلی اَعْدائِهِمْ اَجمَعینَ اِلی قِیامِ یَومِ‌الدّینِ.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ ۖوَكَانُوالَنَاعَابِدِينَ[[1]](#footnote-1)

آیه ی 73 از سوره ی مبارکه ی انبیاء ؛ هفته ی پیش هم همین آیه مورد بحث قرار گرفت به تناسب شهادت امام کاظم علیه السلام و مبعث حالا چون سه شب دنبال هم ما داریم ایام ولادت امام سید الشهداء علیه السلام و ولادت حضرت ابوالفضل علیه السلام و ولادت امام سجاد علیه السلام به همین تناسب این آیه را دوباره مورد بحث قرار دادم و مقدمتا عرض می کنم که این عالم ماده و طبیعت روی مصلحت حکیمانه ی خدا بر اساس اختلاط و امتزاج نهاده شده این در این عالم حق و باطل با هم مخلوطند.نور و ظلمت توأمند.نوش با نیش توأم است.گل در آغوش خار قرار گرفته است.دنبال روز روشن شب ظلمانی فرا می رسد در همین وجود انسان عقل و شهوت میدان جنگی بوجود آورده اند رو در روی هم ایستاده اند عقل که مظهری از نور است و شهوت که مظهر ظلمت است علی الدوام با هم در جنگ و نَبَردند پنجه در پنجه ی هم افکنده اند گاهی نور عقل غالب می شود و انسان سراپاش نور می شود و گاهی ظلمت شهوت چیره می شود انسان در ظلمت فسق و فجور و فساد غوطه می خورد.در این عالم حق خالص و نور محض دیده نمی شود تا قیامت برپا شود اون روز إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا[[2]](#footnote-2)اون روز روز فصل است روز جدایی است جداییه حق از باطل جدایی نور از ظلمت.در این عالم پوست به مغز نمی خورد و صورت کاشف از سیرت نمی باشد.جمال به نسبت کمال جلوه نمی کند چه بسا می بینیم که یک قامت افراشته ای صورت آراسته ای چشم و ابرو مشکین لب و دندان نمکین اما پشت سر این قامت و صورت اخلاق آکنده از گند و عفونت جنایت زذالت خیانت.چون در این عالم بدن خیمه زده وارد روح ما هم ظاهر را می بینیم فریفته می شویم بی خبر از باطن حق و حقیقت اما اونجا که قیامت است اونجا روح خیمه می زند وارد بدن تمام داراریی روح و زشتی و زیباییش بر ملا می شود.اون روز پوست مناسب با مغز جلوه می کند.اون روز صورت کاشف از سیرت می باشد.اون روز جمال به نسبت کمال به معرض نمایش قرار داده می شود که قرآن فرموده إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا\* وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا[[3]](#footnote-3)اون روزی که این بدن انسان می لرزد و اونچه در باطن دارد بیرون می ریزه.زیبایی زشتی فضائل و کمال بیرون می ریزه و می بینید که أهلُ الجنّةِ جُرْدٌ مُرْدٌ[[4]](#footnote-4) بهشتی ها با چهره های زیبا وارد محشر می شوند که هر کدامشان هزار ها برابر از یوسف دنیایی زیبا ترند.میگن عجب این همان پیرمردی که در دنیا بود قد کَنیده و چین و چروک افتاده حالا جوانی آمده خوش قامت زیبا از اون طرف هم جهنمی ها يُحْشَرُ بَعْضُ النّاسِ عَلى صُورَةٍ تَحْسُنُ عِنْدَها الْقِرَدَةُ وَ الْخَنازِيْرُ[[5]](#footnote-5)جهنمی هر کدام میان انقدر زشت که از خرس خوک دنیا منفور تر هستند.حالا این عالم ماده و طبیعت اختلاط دارد مخلوطه حق و باطل به هم مخلوطه در این دنیا هم به معاویه گفتند امیر المؤمنین هم به علی علیه السلام گفتند یا امیر المؤمنین.این پستی دنیا را می رساند ولذا ما در این دنیا نیاز به نور داریم تا حق را از باطل تشخیص دهیم.به ما نشان بدهند حق کدامه باطل کدامه از کجا بفهمیم نور را؟خود الله، اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ[[6]](#footnote-6)1اون که خودش نور آسمانها و زمینه.اون که عدم را وجود آورده.عدم نیستی ظلمته.ظلمت عدم را تبدیل به نور وجود کرده او نور است.او باید بده او باید نوری به ما بدهد در این عالم که تشخیص حق از باطل بدهیم.اون نور کیه؟چون همه ی افراد بشر که نمی توانند با ذات اقدس او ارتباط برقرار کنند ازش کسب نور کنند ما که نمی توانیم لازم هست حتما یه فردی را خداوند حکیم از همین انسانها برگزیند او را انسان کامل قرار بدهد هادی مردم چراغ روشن بر سر مردم قرار بدهد که هم جنبه ی بشری داشته باشه هم جنبه ی الهی داشته باشه.با جنبه ی الهی بگیرد نور را از خدا با جنبه ی بشری بره توو مردم دیگه قاعده اش اینه.باید نور باشه خودش هم فرموده قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ[[7]](#footnote-7)2 فرموده من نور فرستادم برای شما.رسول نور است کتاب همراهشه نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ گفته يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا\* وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا[[8]](#footnote-8)3ای پیغمبر! من تو را فرستاده ام چند عنوان به تو داده ام.در این آیه عنوان های پیغمبر را نشان میده که چقدر شئونی دارد چه کارهایی می کند.او هم أَيُّهَا النَّبِيُّ هست رسول هم هست هفته ی پیش هم عرض شد که نبی با رسول فرق هایی دارند بالاتره کاملتره.نبی هستی رسول هستی شاهد هستی شاهد.من به تو چشم بینایی دادم که مشاهده می کنی اعمال مردم را.باید مراقب باشی باید مراقب باشیم پیغمبر شاهد اعمال ماست.تمام اعمالی که ما انجام میدیم خدا که می بینه پیغمبر هم میبینه او شاهد اعمال ماست أرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا او روز قیامت باید شهادت بدهد به اعمال من نبیند که نمیشه که باید در این دنیا ببیند که من چه می کنم که فردا بگه این کار را کرد.باید بداند که الان من نشسته ام روی چه ویژگی حرف می زنم.او باید بداند که من ریا کارم یا مخلصم.او شهادت می دهد الان شاهد است هم پیغمبر هم امام زمان.امام زمان شاهد اعمال ماست.می بیند من چه می کنم به چه فکر می کنم از فکرم باخبره از اخلاقم با خبره چون باخبر است روز قیامت شهادت میده اگر نبیند که دروغ میشه که اگر نبیند چطور شهادت میده اونجا معلوم میشه که أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا ما او را شاهد قرار دادیم خوب مشاهده می کنی اعمال مردم را آیه ی دیگری داریم که وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ4به این مردم بگو حالا هر کار می خواهید بکنید اما بدانید هم خدا می دانید چه می کنه هم پیغمبر هم امام.چون مؤمنون که مورد ائمه علیهم السلامه فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ هر سه می بینند شما چه می کنید ! نگاه شما را می دانند گوش شما چه می شنوه می دانند افکار شما را با خبرند مراقب باشید این خیلی برای ما کار را مشکل می کنه.اگر واقعا اعتقاد داریم خیلی باید بترسیم دیگه.اعتقاد داریم درست نیست چون باور نکرده ایم میگیم بهشت کجاست هر چه دعا کرده اند هر چه گفتند تموم شده دیگه خیلی بدبختیه بزرگیه. فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ خب پیغمبر تو شاهدی بعد میگه چی؟ مُبَشِّری او بشارت میده آینده ی خوبکاران چه خواهد بود.اگر نبیند بشارت نمی تواند بده که.باید بداند دیگه.باید بداند که آینده ی من چه خواهد شد من بشارت میدم میگه خوشا به حال تو میدانه دیگه.بداند که آدم گنهکار چه عاقبتی دارد تنذیرش کنه انذارش کنه.پس پیغمبر هم شاهده هم مبشره هم نذیره.بشارت دهنده ی نیکان است انذار کننده ی بدان است.پس پیغمبر خیلی مقام داره شهود می کند آینده را می داند هر کسی چه آینده ای دارد جهنمی کیه بهشتی کیه؟بشارت میده انذار میکنه و دیگر وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ تو را دعوت کننده به خدا قرار دادم بالاترین مقامی که انبیاء به امامان دارند اینه که دعوت به خدا می کنند.کار آسانی نیست که اول باید خدا را خوب بشناسد از عظمتش با خبر باشه و از چه راهی باید ببرد بداند سر راهش چه راهزن هایی هست بداند تا بتواند ببرد بالا دیگه.من تو را قرار دادم دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ دعوت کننده به سوی خدا هستی حالا ما دعوت می کنیم همونی که یاد گرفتیم میگیم اون چه که یاد گرفتیم میگیم ما کاره اش نیستیم که.ما کی دعوت الی الله می کنیم؟دعوت الی الله مال ما نیست مال پیغمبره.ما خواندیم در کتابها دیدیم که دعوت می کنند این کار ما نیست کار پیغمبره.اوست که الله را خوب می شناسد راهشم خوب می داند راهزن ها را هم خوب می داند دعوت می کنه ولی بِإِذْنِهِ گفته بِإِذْنِهِ همه کس مأذون نیستند در دعوت.ما مأذون نیستیم در دعوت.اذن برای نبوت و امامته.اون کسی که منصب نبوت دادم او می داند مرا می شناسد و راهش را بلده وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا من تو را ای پیغمبر چراغ روشنگر قرار دادم نور افشان تو پیغمبری هستی که نور افشانی می کنی و کجاها؟نه هر جا رو! جان شما را.جان را نور افشانی می کند فضای قلب شما را روشن می کنه با خدا آشنا می کند عمده همونه چراغ منیر نه اینکه اون مال آفتابه.این راهش را نشان میده مال آفتاب خورشیده نشان میده راه اینه چاه اینه اما او جانها را داره تربیت میکنه افکار اخلاق انسان را جلو می بره مأذونه سراج منیره.حالا این آیه دیدیم که چند شأن برای پیغمبر معین میکنه تمام این شئون مال امام بعد از محمد است.چون باید باشه همه چیز دیگه.او که از دنیا رفته پیغمبر که نیست توو مردم که.وقتی نیست چراغ خاموشه نه چراغ دیگر روشن کرده خدا به جای او.باید باشه اگر نباشه که عالم خراب میشه که.خدای حکیم فقط برای اون چند سالی که پیغمبر بود او را قرار داده؟اینکه لغوه که.همش بیست و سه سال بوده تموم شد؟بقیه میلیون ها انسان همه آزادند؟نه نور دارند باید در عالم انسان همانطور که آفتاب برای همیشه هست این آفتاب برای زندگی سطحیه ما این همیشه هست دیگه برای یه چند سال نبوده که میلیون ها سال هست که بوده تا انسان هست آفتاب ما هست می تابد این بدن انسان را چاق می کند این بذرها را رشد میده امام باید باشه امام باید باشد که جان ها را روشن کند این که تموم میشه مال زمین حالا هم آفتاب تموم میشه هم زمین تموم میشه.باید کسی باشد خورشیدی باشد در میان مردم بتابد بر جان مردم چون حقیقت ما جان ماست نه این بدن ما.این بدن ما را خب برای خورشید شاداب میکنه روشن می کنه اون خورشیدی که باید بتابد بر جان انسان ابدیت به او بدهد به خدا نزدیکش کنه او خورشید نیست خورشید ولایته او خورشید امامته او این کار را میکنه ولذا خداوند خودش را معرفی میکنه من ولی ام بر مردم.همونی که سرپرستی میکند تدبیر می کند تر و خشک می کند چاق می کند می پروراند جان ها را منم الله ولیُّ الَّذینَ آمَنوا[[9]](#footnote-9)1 اول خودش میگه من ولی ام مدبر امورم چه می کنم؟ یُخرِجُهُم مِنَ الظُّلُمات مِنَ النّور [[10]](#footnote-10)2 اون خدا کسی ست که از ظلمت ها بیرون میاره به نور کدام ظلمت؟فرمود به جان انسانه ظلمت کفر ظلمت جهل ظلمت نفاق ظلمت رذائل اینها ظلمته دیگه از اون بیرون میاره به نور می بره.نور چیه؟نور معرفت خدا محبت خدا اطاعت خدا این نوره دیگه خدا این کار را میکنه. الله ولیُّ الَّذینَ آمَنوا یُخرِجُهُم مِنَ الظُّلُمات مِنَ النّور همین کار را به پیغمبر داده گفته کتابٌ انزلناهُ إلیک لِتُخرِجَ النّاس مِنَ الظُّلُماتِ إلَی النّور[[11]](#footnote-11)3 پیغمبر من قرآنی نازل کرده ام که می توانی مردم را از ظلمت ها نجات بدهی نه ظلمت زندگی مادی از ظلمت جانتان از ظلمت جهل کفر نفاق شرک حسد اینها را میخوام نجات بدهی.هم خدا این کار را میکنه هم پیغمبر دیگه.باید امامی باشه دیگه اگر نباشه لغو میشه که.خب خدا پیغمبر را آورده او رفته دیگه هیچ کسی را نداریم از ظلمت ما را نجات بده؟امام معین شده گفته ولی شما منم اول بعد رسول بعد رسول کیه؟ إنَّمَا وَلِیُّکُمُ اللهُ و رَسُولُه و الَّذین آمَنوا الَّذین یُقیمُونَ الصَّلاةَ و یُؤْتُونَ الزَّکاةَ وَ هُم راکِعُونَ [[12]](#footnote-12)4 سه نفر را معین میکنه این سه آیه.منحصرا این سه نفر ولی هستن اول الله دوم رسول سوم علی علیه السلام همون کسی که در حال رکوع نماز زکات داده آیه ی شریفه هم همینو میگه دیگه.همه گفتن علی علیه السلام هم شیعه هم سنی همه گفتند علی علیه السلامه او را نشان میده او کسی ست که در حال رکوع نماز زکات داده خب این آیه اینو نشان میده الله رسول علی علیه السلام بعد باید بفرماید که بعد علی علیه السلام فرزندانش هم هستند یا أیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا أطِیعُوا اللهَ و أطِیعُوا الرَّسُولَ و أُولی الأمر مِنکُم[[13]](#footnote-13)5 اولی الامر همان فرزندان علی هستند که بعد از علی هستند.پس خود علی هم ردیف خدا و رسول ولی است و بعد او اولی الامر فرزندان او هستند دیگه.پس می بینید که خداوند برای بشر برای ما نه برای جسم ما برای جان و روح ما اونی که حقیقت ماست اونی که بعد از مرگ زنده ایم او این بدن که میمیره میپوسه از بین میره اونی که من هستم جان من هم و روح من ابدیت دارد او همیشه است او باید روشن بشه. الله رسول علی اینها هستند روشنگرند اونوقت پیغمبر اون کار را کرده دیگه. آخه مفترقات ما با آقایان سنی ها ما هم مشترکات داریم هم مفترقات داریم دیگه.مشترکات اینه که همه میگیم خدا همه میگیم پیغمبر تازه اونم دقت کنیم خیلی فرق داریم در همونجا هم دقت کنیم خیلی با هم فرق داریم حالا نمیگیم بسیار خوبه همه گفتن الله همه گفتن پیغمبر همه گفتن معاد.اما اونا میگن بعد پیغمبر همه چیز تمام شد دیگه فقط پیغمبر بود همه ی اینها بود مبشر نذیر بود چی بود بعد او همه چیز رفته فقط قرآن مانده اونم ما...(20:45) می دانه کی گفته که.سردسته ی اونها گفته دیگه روزهای آخر عمر پیغمبر میخواست بیان کند که بعد از من کی هست برای من بیارید قلم و دواتی که بگم بنویسید گفت نمی خواد اعوذ بالله گفت این مریضه هذیان میگه ولش کنید دیگه قرآن برای ما بس است کافیه دیگه قرآن برای ما بسه.این ضد قرآنه دیگه قرآن گفته که وَ أَنْزَلنا إلیک الذِّکر لِتُبَیِّنَ لِلنّاس ما نُزِّلَ إلیهم[[14]](#footnote-14)1 خدا میگه من قرآن را به تو نازل کردم ای پیغمبر که مبین باشی یعنی خود قرآن کافی نیست خود قرآن مبین میخواد تا هستی مبین هستی بعد تو علی علیه السلام و فرزندانش.خب قرآن میگه مبین لازم داریم ما هم گفتیم مبین به حرمت عقل و آیات علی علیه السلامه دیگه.اونها میگن مبین لازم نیست ما خودمون قرآن می فهمیم دیگه خب معلومه دادن دست ابوحنیفه احمد حنبل و اونها جمع کنن! اینجور شدیم پس ما خیلی با اونها فرق داریم ما میگیم باید اون امامی باشد در میان مردم که جانها را بپروراند خورشیدی بتابد بر جان انسانها حیات بدهد و بذر عبادت را برویاند اینو میخوایم بگیم این جعل الهی دارد خب خدا گفته من جعل می کنم وَ جَعَلْناهُم ائمَّةً یَهدُونَ بأمرنا[[15]](#footnote-15)2 خب این که کار منه مسئله ی امام جعلش من باید جعل کنم من باید معین کنم به شما مربوط نیست شما خلیفه تراشی نکنید من باید این کار را بکنم.این کار را کردم من وَ جَعَلْناهُم ائمَّةً یَهدُونَ بأمرنا معین کردم پیشوایانی که هادی به امر من هستند کدام امر؟نه به دست شما لفظی که نبوده که فرمانش نه إنَّمَا أمْرُهُ إذا أرادَ شَیْئاً أنْ یَقُولَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ[[16]](#footnote-16)3 اون فرمان من که هر چه بخوام موجود میشه ایجادش بکنم دادم به او.به امر امام دادم این را. یَهدُونَ بأمرنا فرمان من دست اونهاست اونها می توانند ایجاب کنند اعدام کنند در دلها بپرورانند بذر خیرات را وَ أَوْحَیْنَا إلَیْهِم فِعلَ الخَیرات[[17]](#footnote-17)4 قبلا خواندیم که هفته ی پیش ما در ساختمان وجودی اشان خیرات قرار دادیم می جوشد از جانشان اونها.ساختمان امام جوری ست که از خودش می جوشد کمالات از کسی نمی گیره از خدا ذاتیه اما اونها مخلوقند اینجور ساخته ام من امام و پیغمبر را اینجور ساخته ام که أَوْحَیْنَا إلَیْهِم فِعلَ الخَیرات از جانشان می جوشد معصوم اند یعنی هیچ ممکن نیست از اونها شری تراوش کند همش خیراته هیچ ممکن نیست معصومند معصوم ممکن نیست از او گناهی صادر بشود نه ما که شیعه هستیم همینو میگیم دیگه ما معتقدیم باید پیغمبر و امام معصوم باشند تا بتوانیم بپذیریم حرفشان را.تا اطاعتشان واجب باشه معنا ندارد یه فردی که جایز الخطاست اطاعتش واجب باشه این که معقول نیست.مطاع مطلق اون کسیه که معصوم باشه.اون آخر آیه داره که وَكَانُوالَنَاعَابِدِينَ این امام ها عابد من بوده اند.چون بنده بودن به اونجا رساندم خیلی باید مطلبیه شما هم تا بنده نباشید نمی رسید اینو مطمئن باشید باید بنده باشید اونقدر بندگی لازمه که پیغمبر وقتی میخواد مهر رو ببره میگه سُبحانَ الّذی أسْرَی بِعَبدِهِ [[18]](#footnote-18)1 اونجا بنده اش را برده به آسمان یعنی چون بنده بود برده نگفته أسْرَی بِرَسُولِهِ ،بالنَّبِیِّهِ ، أسْرَی بِعَبدِهِ پیغمبر هر چه داره از عبودیه من داره چون بنده ی من بوده تسلیم محض بوده پیش من بردم به آسمان عَبْدِهِ در اول سوره ی کهف هم خواندیم که الحَمْدُ لِلّهِ الَّذی أنزل عَلی عَبدِهِ الکِتاب[[19]](#footnote-19)2 اون خدا قرآن را به عبدش نازل کرده چون بنده بوده نازل کرده به او مراقب باشید تا عبودیت نباشه به هیچی نمی رسید شما

گر تو خواهی حرّی و دل زندگی بندگی کن، بندگی کن، بندگی [[20]](#footnote-20)3

مطمئن باش پیغمبر جای خود توو همین علمای بزرگان ما فراوان بوده اند حالا اونها که انبیاء هستند و امام هستند نه اشخاصی برمیخوریم که اینها پیغمبر نیستند امام نیستند اما واقعا عبد هستند چون عبد هستند به مقاماتی رسیده اند.از بزرگان و علما خیلیا هستند اینها منتهی حالا باید بخوانیم زندگی اونها را ببینیم اونها چه بوده اند.چون عبد بوده اند مقامات عالیه رسیده اند.پیغمبر که عبد بود همه ی انبیاء که عباد بودند همشان اونهایی که دنبالشان رفتند عبد بودند به مقامات رسیده اند.حالا مردم گاهی می شنوند مرحوم آقا سید علی اقای قاضی خیلی دارای کرامات بودند خیلی صاحب نفس بوده یه ذکری وردی به ما یاد بدهید ما هم مثل اونها بشیم آقا ذکری وردی نیست او بندگی کرده به اونجا رسیده متقی بوده از اول جوانی مراقب خودش بوده بنده بوده واجب و حرام سرش میشده رسیده به اون مقام حالا نه اینکه ذکری وردی خوانده اون ذکر و ورد آخر کار بوده ازش جوشیده ذکر و ورد نه اینکه با ذکر و ورد درست شده خیر.اول خودش را درست کرده با تقوا با بندگی درست کرده حالا با نفسش مؤثر شده مثلا. وَكَانُوالَنَاعَابِدِينَ روش تکیه داره خدا وَكَانُوالَنَاعَابِدِينَ این امامانی که من اختیار کردم اونها را و هادی به امر من هستند و فعل خیرات ازشان می جوشانم چون بنده بودند.شما اگر می خواهید همینجور با تنبلی دنبال کارهای خودمان و هوا و هوس و بعد هم بشیم آقای بزرگوار و صاحب نفس بشیم و این شدنی نیست ولذا پیغمبر فرمود من میرم ولی إنّی تارِکٌ فیکُمُ الثَّقَلَیْن[[21]](#footnote-21)4 می روم و دو ثقل بزرگ پیش شما می گذارم مراقب باشید متوسل بشوید دست برندارید از اینها دست بردارید گمراه میشید.قرآن و عترت.قرآن ثقل اکبره عترت ثقل اصغره اهل بیت ثقل اصغره قرآن ثقل اکبره برای اینکه ما وجود اهل بیت را از قرآن می گیریم اگر قرآن نبود که نمی دانستیم که چرا حجته امام چون قرآن گفته.چون قرآن گفته جَعَلْناهُم ائمَّةً یَهدُونَ بأمرنا چون قرآن گفته که وَلِیُّکُمُ اللهُ و رَسُولُه و الَّذین آمَنوا چون قرآن آیه ی تطهیر گفته إنَّما یُریدُ اللهُ لِیُذهبَ عنکمُ الرِّجس و یُطَهِّرَکُم تطهیرا[[22]](#footnote-22)5 اینو قرآن گفته اگر قرآن نبود که ما نمی شناخیتم که علی امیر علیه السلام چه کاره است.پس ثقل اکبر قرآن است با قرآن حجیت امام روشن میشه اگر نبود ما نمی شناخیتم عترت کی هست امام کی هست قرآن گفته الیَوْمَ أکمَلتُ لَکُم دینَکُم و اتممتُ علیکم نعمتی[[23]](#footnote-23)1 او گفته چون او گفته علی را نصب کرده اند اسلام تکمیل شد ایمان تکمیل شد پس خلاصه ثقل اصغر میگیم به این جهت میگیم این قرآن ثقل اکبره و عترت ثقل اصغره برای اینکه از او درست شده حالا ما وظیفه داریم از هر دو ثقل تبعیت کنیم دیگه.یه مقدار کار مشکل میشه برای ما.خیلی گرفتاری ها داریم ما در روایات می خوانیم سجاد علیه السلام جمله ای دارند فرمودند لا تَطْلُبُوا عِلمَ ما لا تعلمونَ و لَمّا تَعْمَلُوا بِما عَلِمتُم [[24]](#footnote-24)2 چند نفر رفتن از امام سجاد مسائلی پرسیدند جواب داد دوباره خواستند بپرسند گفتند بسه دیگه همون که قبلا گفتم عمل کنید به همونی که یاد دادم عمل کنید تا عمل نکرده اید به اون دانسته ها دنبال علم تازه نروید.هی سواد هی سواد رو هم چه فایده ای داره اخه؟ما می خواهیم ملا باشیم مثلا هی درس بخونید درس بخونی انباشته کنید فایده نداره اگر عمل در کار نباشد این علم بی مقدمه است عذاب انگیزه.قبلا هم عرض شده در جهنم بدترین عذابها مال عالمان بی عمله.می دانند و عمل نمی کنند پس علم تنها کافی نیست امام فرمود لا تَطْلُبُوا عِلمَ ما لا تعلمونَ و لَمّا تَعْمَلُوا بِما عَلِمتُم مادامی که به اونچه می دانید عمل نکردید دنبال علم تازه نروید.عمل کنید فَإنَّ العِلْمَ إذا لَم یُعمَلْ بِهِ لَم یَزْدَد صاحِبَهُ إلّا کُفراً وَ لَم یَزْدَد مِنَ اللهِ إلّا بُعْداً اگر علم عمل نشود از خدا دور می کند آدمی را.همین علم اگر عمل نشد از خدا دور میکنه إلّا بُعْداً امام سجاد علیه السلام گفتند دیگه إذا لَم یُعمَلْ بِهِ اگر علم مورد عمل واقع نشد بِهِ لَم یَزْدَد صاحِبَهُ إلّا کُفراً دورش میکنه از خودش عجب! همین علم را میخواستم که به خدا نزدیک بشوم از خدا دور شده ام چون بهشون عمل نکردی.چون به این علمی که داشته ای عمل نکردی دور شده ای از خدا.پس علم کافی نیست برای رشد.پس آدم الان اون نیست واقعا در دنیا الان اینجوریه دیگه یعنی اون فرق اساسی بین منطق دین و منطق دنیایی همینه.منطق دنیای روز فقط به دنیا می چسبد خوب و خوش خوردن و خوش خوابیدن و اعمال شهوات کردن و با دیگران جنگیدن و همین شده دیگه دین اینجور نیست دین میگه اول آخرت در نظرشانه اول خدا و آخرت.عمده اینه اگر دنیای شما صرف شد در دنیای آخرت خوشا به حال شما.هر کلمه اش آخرت درجاتی خواهید داشت هر چه گفتی کردی درجات خواهی داشت.یکی از صلحا ازش نقل شد گفت که یه رفیق صالحی داشتم خیلی با ایمان بود از دنیا رفت شب در خواب دیدمش خیلی خوب بود خوشحال بود گفتم الحمد لله عمری به سلامت گذراندی و با گوهر ایمان از دنیا رفتی.گفت اگر بدانی من چقدر آرزومندم همه ی دنیا از من بگیرن یک نفس به من بدهند بگم الحمد لله بعد بمیرم.یعنی انقدر لحظات عمر دنیا ارزش دارد در آخرت که هر لحظه اش درجاتی می آورد برای شما.یک کلمه از خدا می گویید برای شما درجاتی خواهد بود.یک کلمه ی بد گفتی جهنم خواهد بود.او گفت تو نمی دانی در بازار آخرت لحظات عمر دنیا چقدر ارزنده است مراقب باش خودت را ارزان نفروش.بعد گفت وقتی که مرا دفن کردی یکی از تشییع کننده ها ایستاد دو رکعت نماز خواند من اون نماز را که دیدم آتش حسرت در دلم بالا کشید گفتم ای کاش همه ی دنیا مال من بود من می دادم دو رکعت نماز می خواندم.یه چند لحظه ای زنده میشدم نماز می خواندم.یعنی انقدر ارزنده است.

گهر وقت، بدین خیرگی از دست مده آخر این در گرانمایه بهائی دارد [[25]](#footnote-25)1

مولای ما فرمودند مراقب باشید که......(33:58) این جان شما ارزشمنده مراقب باشید با بهشت معامله کنید با خدا معامله کنید.کار مشکلی ست دیگه.بله انسان زندگی اش را با دین تطبیق کند که آخرت هدف اصلی باشد دیگه.خب حالا حرف هم زیاده در اینجاها.خب حالا حرف هم زیاده در اینجاها خیلی هم حالم مساعد نبود امشب ولی برای اینکه تعطیل نشه آمدم ولی برایم حرف زدن آسان نیست.ما یک جمله عرض می کنم که گفته اند درهای بهشت متعدده از هر دری گروهی وارد می شوند که مطابق اون در عمل کرده اند درِ صبر دارد درِ نماز دارد درِ روزه دارد درِ حیات دارد همه چیز دارد.منتهی هر گروهی از درِ خود وارد می شوند.حالا بعضی از درِ صبر وارد می شوند بعضی از درِ نماز وارد می شوند بعضی از درِ جهاد وادر می شوند ما به حساب خود برسیم برای خودم عرض می کنم می ترسیم که خیلی اصلا محروم باشیم ما اهلش نباشیم.اونی که من می خوانم اونی نیست که خدا خواسته است جلوی نهی از منکر نمی گیره جلوی منکرات را نمی گیره می ترسم نماز نماز نباشه روزه روزه نباشه روز قیامت به هر دری که برسیم بگیم نیست این نمازت معیوبه روزت معیوبه حجت معیوبه متحیر می مانیم سرگردان می مانیم خب اون لحظات ما را میگیره که چکار کنیم؟ناگهان دری به چشمانمان می خوره عجب اونجا شلوغه پر جمعیتیه فوج فوج اونجا وارد می شوند اونجا کجاست؟میگن عجب هذا باب الحسین تا این چشم اینو می بینیم جان در بدن ما تازه می شود.زنده می شویم همانطور که الان اسم حسین که برده می شود دل تکان میخورد اشک از دیده ها می ریزد اون روز هم با دیدن باب الحسین تکانمان می دهد زنده مان می سازه اون روز هم از عمق جان فریاد می کشیم الامان الامان یا مولانا یا حسین! روزی که هر کسی به پناه وسیله ایست ما را وسیله ای نه بغیر ولایت اوست هر کسی سرمایه ای دارد به اتفاق سرمایه اش وارد بهشت می شود.مولای ما ما هیچ سرمایه ای نداریم جز تو ولای تو.اونچه خوبان همه دارند تو تنها داری.باب الحسین بابی ست که همه ی درهای بهشت تحت الشعاع اون در هستند.اگر باب الصبرند پس در مقابل باب الحسین خاضع است اگر باب الجهاد هست بالاترین درجه اش باب الحسین است.اگر باب الصراط و الصیام است علت مبغیه و سرپا نگهدارنده اش باب الحسین است.راستی اون چه خوبان همه دارند تو تنها داری یا حسین.از چیزی فرو گذار نکردی و در میدان عبودیت و بندگی جای باقی نگذاشته ای اونقدر صبر کردی که صبر را به زانو درآوردی.حالا از جناب آقای ایلخانی من تقاضا می کنم ایشان تشریف بیارن که ما بیشتر به فیض برسیم حالا به بنده خرده نگیرید که شب ولادت امام فردا شبه ولادت امام حسینه ذکر مصیبت چرا؟چه جایی داره؟میگم من چه کنم؟شما روز سوم شعبان روز ولادت امام حسین این دعا را می خوانیم : اللهم إنّی أسألک بحق المولود فی هذا الیوم الموعود بشهادته قبل استهلاله و ولادته[[26]](#footnote-26)2 اون روز میگیم که خدایا تو را قسم میدم بحق این نوزادی که قبل از ولادت شهادتش به میان آمده صحبت کردند حرف شهادتش بوده قبل از ولادت.هنوز به دنیا نیامده انبیاء براش گریه کردند آدم ابوالبشر براش گریه کرده حتی خود جد بزرگوار پیغمبر اکرم روزی که بدنیا آمده است عزا خانه شد خانه ی پیغمبر اکرم.توو هر خانه ای که بچه بدنیا آمد خوشحالند شاد و خرمند اما روز ولادت امام حسین وقتی که اسماء بنت عمیس این قنداقه را گرفت آورد پیش پیغمبر اکرم یه نگاهی به چهره اش کرد اشک از چشمانش ریخت یعنی ای حسین خیلی دشوار است بر من تحمل این مصیبت اسماء تعجب کرد چرا گریه میکنی نوزادتان تازه است بیاد اون روزی که سرش را از تن جدا می کنند در اون آخرین لحظاتی که صدا به گوش نمی رسید از جمله با قلب شکافته بدن غرق در جرح و جراحت دل سوخته جگر از سوز عطش گداخته صورت روی خاک زمین گذاشته این زبان خشک به سختی در دهان می چرخاند میگفت الهی رضاً به رضائک صبراً علی بلائک

1. . سوره ی مبارکه ی انبیاء، آیه ی 73 [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره ی مبارکه ی نبأ، آیه ی 17 [↑](#footnote-ref-2)
3. . سوره ی مبارکه ی زلزال، آیات 1 و 2 [↑](#footnote-ref-3)
4. . كنز العمّال : ۳۹۳۰۱ [↑](#footnote-ref-4)
5. . علم اليقين، ج 2، ص 901 [↑](#footnote-ref-5)
6. 1. سوره ی مبارکه ی نور،آیه ی 35 [↑](#footnote-ref-6)
7. 2. سوره ی مبارکه ی مائده ، آیه ی 15 [↑](#footnote-ref-7)
8. 3. سوره ی مبارکه ی احزاب، آیه ی 45

4. سوره ی مبارکه ی توبه، آیه ی 105 [↑](#footnote-ref-8)
9. 1 . سوره ی مبارکه ی بقره، آیه ی 257 [↑](#footnote-ref-9)
10. 2.همان [↑](#footnote-ref-10)
11. 3.سوره ی مبارکه ی ابراهیم، آیه ی 1 [↑](#footnote-ref-11)
12. 4. سوره ی مبارکه ی مائده،آیه ی 55 [↑](#footnote-ref-12)
13. 5. سوره ی مبارکه ی نساء آیه ی 59 [↑](#footnote-ref-13)
14. 1 . سوره ی مبارکه ی نحل، آیه ی 44 [↑](#footnote-ref-14)
15. 2 . سوره ی مبارکه ی انبیاء ، آیه ی 73 [↑](#footnote-ref-15)
16. 3 .سوره ی مبارکه ی یس، /آیه ی 82 [↑](#footnote-ref-16)
17. 4 . سوره ی مبارکه ی انبیاء ، آیه ی 73 [↑](#footnote-ref-17)
18. 1.سوره ی مبارکه ی اسراء، آیه ی 1 [↑](#footnote-ref-18)
19. 2 . سوره ی مبارکه ی کهف، آیه ی 1 [↑](#footnote-ref-19)
20. 3. مثنوی معنوی، دفتر 3 [↑](#footnote-ref-20)
21. 4.شیخ مفید،الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد،1413 ق،ج1،ص 233 [↑](#footnote-ref-21)
22. 5. سوره ی مبارکه ی احزاب، آیه ی 33 [↑](#footnote-ref-22)
23. 1 . سوره ی مبارکه ی مائده، آیه ی 3 [↑](#footnote-ref-23)
24. 2 . کلیات حدیث قدسی، جلد 1، صفحه 222 [↑](#footnote-ref-24)
25. 1.پروین اعتصامی،مثنویات،تمثیلات و مقطعات [↑](#footnote-ref-25)
26. 2. مصباح المجتهد،طوسی،ص 826 [↑](#footnote-ref-26)